

The Social Impact of Divine Support for Woman in the Emotional Aspect from the Perspective of the Holy Qur'an

Nasim Teymouri¹ 

1. Seminary Level 4, Comparative Interpretation, Kowsar Islamic Sciences Complex, Tehran, Iran, nasitey@gmail.com

Abstract

It seems that in the present era, due to various reasons such as media advertising, lack of awareness of individuals, women's lack of awareness of their rights, self-deprecation, instrumental abuses and etc., the status of woman among different strata of society is not recognized as it should be, and this has become the source of problems for women in various social areas. This is while God Almighty has clarified in numerous verses that there is no difference between men and women in terms of human status and personal dignity. In addition, God Almighty has paid more attention to the position of woman in order to correct the second-class view of women in the era of ignorance and its influence on that society and has extended His umbrella of protection to woman in the form of verses of the Holy Qur'an. God Almighty has paid attention to and supported women in various aspects such as legal, cultural, emotional and social aspects. This article examines the Qur'anic verses that establish the social status of woman and her role as mother, wife, or daughter. For this purpose, based on a descriptive-analytical approach and library method, 17 verses of the Holy Qur'an have been analyzed by examining 16 Shiite and Sunni interpretive books. The results indicate that special divine support for woman and her role as daughter is manifested in a positive context by calling girls as "Khair Kathir" (great blessing), and in a negative context by condemning burying girls alive and restoring their violated rights on the Judgment Day. As for supporting woman and her role as wife, the Qur'an also considers them a source of serenity for their husbands, a means of procreation of mankind, and protection for men from sins. As for their role as mothers, the verses indicate that pregnancy and breastfeeding are reserved for women, and the ability to receive inspiration as mothers, and emphasize the effects of mothers' prayers and their great value in front of God and necessity of respecting them. As mentioned, God Almighty has spoken about the true dignity of women in His heavenly book and has considered them as valuable and respectable beings, and thus has recognized their status and supported them. It is obvious that the impact that this approach of the Qur'an has on society is to recognize the status of women and establish their position not only in the pre-Islamic era but in all eras, including the present time; because the thoughts and attitudes of the pre-Islamic era have manifested themselves in some way in every era, and adhering to the divine words, this eternal miracle can be a guide for all humanity. Therefore, the Holy Qur'an not only does not have a second-class view of women, but also considers them to be like men in creation and the existential system, and has recognized the value and necessity of women in various roles and aspects of social life.

KEYWORDS: Women, Emotional Aspect, Social Impact, Support, Holy Qur'an.

Received: 2024-04-16 | Received in revised from: 2024-11-22 | Accepted: 2024-12-28 | Published online: 2024-12-21

◆ How to cite: Teimouri, Nasim(1403SH): The Social Impact of Divine Support for Woman in the Emotional Aspect from the Perspective of the Holy Qur'an, *quran and social sciences*, 4(15), p172-203, [10.22034/arq.2024.212250](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212250)

تأثیر اجتماعی حمایت الهی از بانوان در بعد عاطفی از منظر قرآن کریم

نسیم تیموری^۱

۱. سطح ۴، تفسیر تطبیقی، مجتمع علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران، nasitey@gmail.com

چکیده

مروری



در قرآن کریم، خداوند متعال از ابعاد مختلفی چون حقوقی، فرهنگی، عاطفی و اجتماعی به بانوان توجه و از آنان حمایت کرده است. بررسی آیاتی از قرآن که در آنها، جایگاه اجتماعی زنان در نقش‌های مادری، همسری یا دختری تثبیت شده، مورد نظر مقاله حاضر است. بدین منظور بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، ۱۷ آیه با بررسی ۱۶ کتاب تفسیری شیعی و سنی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها، حاکی از آن هستند که حمایت ویژه الهی از زن در نقش دختری در وجه ایجابی با خیر کثیر خواندن دختران و در وجه سلبی با مذمت زنده‌به‌گور کردن ایشان و دادخواهی در قیامت برای آنان جلوه‌گر است. در آیات مورد بررسی، نقش زن به‌عنوان همسر شامل آرامش‌بخشی به همسر، ظرفیت تولید نسل توسط او و حفظ مرد از گناه است. به‌عنوان مادر، آیات به اختصاص بارداری و شیردهی به بانوان، قابلیت دریافت الهام توسط مادر، تبیین تأثیر دعای مادر و ارزش احترام مادران اشاره دارند. نتیجه آن که قرآن کریم نه‌تنها نگاه درجه دوم به زنان ندارد بلکه آنها را در خلقت و نظام وجودی مانند مرد دانسته و ارزش و ضرورت زنان را در نقش‌ها و جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی به رسمیت شناخته است.

کلید واژه‌ها: زنان، بعد عاطفی، تأثیر اجتماعی، حمایت، قرآن کریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۹/۰۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

◆ استناد به این مقاله: تیموری، نسیم (۱۴۰۳): ((تأثیر اجتماعی حمایت الهی از بانوان در بعد عاطفی از منظر قرآن کریم))، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴(۱۵)، ۲۰۳-۱۷۲، 10.22034/arq.2024.212250



۱. مقدمه

مطالعه تاریخ و بررسی جوامع بشری از ابتدا تا به امروز نشان می‌دهد، جایگاه و منزلت بانوان آن‌گونه که باید شناخته نشده و وضعیت بانوان در هر نقشی، اعم از مادری، همسری و فرزندی متناسب با شأن انسانی آن‌ها نبوده و در برهه‌هایی از تاریخ با او بر مبنای شهروند درجه دوم در جامعه برخورد شده است (ر. ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷؛ ۳۱۴؛ مکون و صانع‌پور، ۱۳۷۴؛ ۲۸؛ ویل دورانت، ۱۳۷۹، ۱؛ ۵۶۵؛ نورالدین فضل‌الله، ۱۴۰۵ ق : ۳۱).

به نظر می‌رسد در عصر حاضر نیز به دلایل متعددی نظیر تبلیغات رسانه‌ای، عدم آگاهی افراد، عدم اشراف بانوان به حقوق خود، خودکم‌بینی، سوءاستفاده‌های ابزار و مواردی از این دست، جایگاه زن در بین اقشار مختلف اجتماع از جمله خود بانوان آن‌چنان که باید، شناخته نشده و این امر، منشأ بروز معضلاتی برای بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی شده است (عروجی، ۱۴۰۲ : ۱۳). این در حالی است که خداوند متعال به شهادت آیاتی نظیر آیه ۱۹۵ سوره آل عمران «... أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...» و آیه ۲۵ سوره فتح «... وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَّوُّوهُمْ...» و آیه ۷ سوره نساء «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...» بین زن و مرد از نظر جایگاه انسانی و کرامت شخصیتی تفاوتی قائل نشده است. افزون آنکه خداوند متعال برای اصلاح نگاه دست دومی به زن در عصر جاهلیت و تأثیر در آن اجتماع به جایگاه زنان عنایت بیشتری فرموده و چتر حمایتی خویش را در قالب آیات مصحف شریف بر او گسترانده است. چنان‌که در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...» همسر فرعون و مریم (سلام‌الله علیهما) را اسوه مردان و زنان مؤمن دانسته یا در آیه ۴۲ سوره آل عمران «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» حضرت مریم (سلام‌الله علیها) را برگزیده می‌خواند.

خداوند متعال در آیات متعدد دیگری نیز از جنبه عاطفی زنان را مورد حمایت قرار داده و به این ترتیب جایگاه اجتماعی ایشان را متذکر می‌شود. نظیر آیه ۸

و ۹ سوره تکویر که دادخواهی قیامت برای دختران مظلومی که زنده به گور شده‌اند را به خود نسبت می‌دهد. آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»؛ و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند یا آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَفِيَابِاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبَنِعَمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؛ مطابق این آیه خداوند زن را از جنس خود مردان دانسته و ادامه نسل را منوط بر وجود ایشان دانسته است.

بنابر آنچه گذشت به نظر می‌رسد تبیین آیاتی که در آن‌ها خداوند متعال از بانوان حمایت عاطفی کرده و از این طریق در آن اجتماع تأثیر گذاشته، ضروری است. تأکید بر وجه عاطفی بودن حمایت الهی از این‌رو است که خداوند متعال از جوانب متعددی از جمله حقوقی، فرهنگی و ... در آیات متعددی از بانوان حمایت فرموده است؛ اما پژوهش حاضر در نظر دارد تا تأثیر اجتماعی حمایت الهی از بانوان را از بعد عاطفی مورد واکاوی قرار دهد تا نگاه اسلام به زن بیش از پیش معرفی و شناخته شود.

۲. روش تحقیق

از آنجا که در این مقاله آیات قرآن کریم برای شناسایی حمایت الهی از بانوان تحلیل می‌شوند، منبع اصلی «داده‌های» این تحلیل را آیات قرآن کریم تشکیل می‌دهند. در گام نخست، آیاتی گردآوری شدند که خداوند متعال در آن‌ها به نحوی به بانوان اشاره فرموده است که حدود ۲۰۰ آیه را به خود اختصاص می‌دهد. در گام دوم، آیاتی از میان آن‌ها برگزیده شدند که جنبه حمایتی در بعد عاطفی و نه حقوقی داشته باشند که حدود ۳۰ آیه را به خود اختصاص می‌دهد. این آیات برگزیده به زن در یکی از سه نقش مادری، همسری یا

دختری پرداخته‌اند. بر این اساس، از میان آیات مرتبط با این سه نقش نیز آیه یا آیاتی که جامع و دربردارنده مضامین سایر آیات هستند که درمجموع ۱۷ آیه می‌شود، مورد بررسی تفسیری قرار گرفته است.

در بررسی تفسیری آیات برگزیده از ۱۶ تفسیر فریقین استفاده شده است که ۸ تفسیر به اهل سنت و ۸ تفسیر به شیعه اختصاص دارد. بررسی تفسیری بر اساس روش «کتابخانه‌ای» به تبیین دیدگاه صاحبان این تفاسیر پرداخته است تا اولاً حمایت پروردگار متعال از بانوان در بعد عاطفی مشخص شود. ثانیاً تأثیر این حمایت در اجتماع آشکار گردد.

۳. پیشینه

پژوهش‌های متعددی در مورد جایگاه زن و عنایت حق تعالی به او صورت پذیرفته که شماری از آن‌ها از نظر می‌گذرد.

کتاب «جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد» نوشته امیرحسین بانکی‌پور فرد که در سال ۱۳۹۳ نگاشته شده، اثری مرتبط در موضوع مورد بحث است. کتاب مذکور که برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری است، سعی دارد با ارائه موضوعی بیانات معظم له در سه فصل، اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان، زن در فرهنگ غرب، منزلت و جایگاه زن در اندیشه اسلامی، تفاوت نگاه غرب و اسلام را به موضوع زن تبیین نماید.

کتاب «نواندیشی دینی در مسائل زنان» اثر عبدالله امینی‌پور که در سال ۱۳۹۷ به رشته تحریر درآمده، پژوهشی مرتبط است که نویسنده در آن علاوه بر مقایسه جایگاه زنان در اسلام و غرب، شبهاتی درباره حقوق زنان از گذشته تا به امروز را پاسخ داده است. این اثر بازنگری و تجدیدنظر در آرای فقهی و سیاسی اسلام‌پژوهان را به معرض نمایش گذاشته و نشان می‌دهد اسلام بسیار تلاش کرده تا منزلت ستودنی زن را به او بازگرداند.

پایان‌نامه «جایگاه معنوی و حقوقی زن در اسلام» از حمیده حسینی که در سال ۱۳۸۸ ش، انجام شده، اثری مرتبط است که در آن ضمن بیان ارتباط حقوق و

معنویت به آثار معنوی که عاید زنان در تلاش‌های روزمره می‌شود، اشاره و وضع حقوق زنان در اسلام را به دلیل اهمیت خود زن و اهمیت جایگاه معنوی او دانسته است. محقق به این نتیجه رسیده که در اسلام، حقوقی حقوق متناسب با شخصیت و نیازهای زن در نظر گرفته شده که در سایر مکاتب مورد توجه قرار نگرفته است.

پایان‌نامه «مطالعه جامعه‌شناختی جایگاه زن در اسلام» اثر شهناز براتی که در سال ۱۳۹۱ ش، صورت پذیرفته، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. نگارنده ضمن بررسی نظریه‌های فمینیستی و اسلامی در نگرش به جایگاه زنان به این نتیجه می‌رسد که اسلام با تغییر نگرش نسبت به زنان، آن‌ها را در شأن انسانی برابر با مردان دانسته و با تأکید بر تعلیم و تربیت زنان، زمینه پرورش آگاهی و توانمندی ایشان را برای حضور در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی فراهم ساخته است.

مقاله «ویژگی‌های زن شایسته از دیدگاه قرآن کریم» اثر لیلیا افشار و زهره رستمی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. در این پژوهش، ملاک‌های زنان برتر به طور اعم و ملاک‌های همسر برتر به طور اخص در آیات الهی مورد بررسی قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده که ملاک‌های زنان برتر بر اصول اخلاقی و باطنی - نه ظاهری - استوار است.

مقاله «جایگاه زن در اسلام» اثر محمدجواد بارانی و همکاران که در سال ۱۴۰۱ نگاشته شده، پژوهشی در موضوع مورد نظر است که در آن حقوق خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و ... زنان بیان شده است. این تألیف با بهره‌گیری از آیات و روایات و با بیان برخی از اقدامات اسلام در جهت استیفای حقوق زنان سعی دارد نوع نگرش اسلام را به زن نشان دهد.

با تتبع در آثار در حد احصاء مشاهده می‌شود بیشتر آثار به حقوق و جایگاه زنان در اسلام و در نهایت مقایسه آن با سایر مکاتب اختصاص دارد. حال آنکه پژوهش حاضر با بهره‌گیری از برخی از تفاسیر فریقین در صدد تبیین آیاتی از قرآن کریم است که در آن‌ها خداوند متعال با ذکر محسنات وجود بانوان در

نقش‌های مختلف دختری، همسری و مادری بر جامعه آن روزگار اثر گذاشته و منزلت و شأن ایشان را در اجتماع تثبیت نموده است. برای مثال، خداوند متعال با نزول آیاتی که به خیر کثیر بودن دختر در مقابل مذمت زنده‌به‌گور کردن ایشان و دادخواهی در قیامت برای دختران مظلوم اشاره دارد، این معنا را به مخاطب منتقل می‌سازد که جنس زن ارزشمند است و باید در اجتماع دارای جایگاه باشد. همچنان که با نزول آیاتی در حُسن وجود زن در نقش همسری که در آرامش‌بخشی او، تولید نسل و حفظ مرد از گناه تلبور می‌یابد به مردان، غنیمت بودن حضور زن را یادآور می‌شود. خداوند متعال با تبیین ظرفیت بانوان در حمل و شیردهی و بیان رفعت درجه مادر تا حد دریافت وحی و با بیان تأثیر دعا و خدمت به مادر، جایگاه بانوان را به نحوی دیگر تثبیت می‌نماید. ظهور حمایت الهی از بانوان در آیات متعدد در تغییر نگرش اجتماع نسبت به اهمیت و جایگاه بانوان تأثیر شگرفی دارد؛ چه این که این تغییر نگرش مختص به مردان نیست بلکه خود بانوان نیز به مقام و منزلت خویش بیش‌ازپیش آگاه می‌شوند و این امر، ضرورت این پژوهش را دوجندان می‌نماید.

۴. مفهوم‌شناسی

تأثیر اجتماعی: واژه «تأثیر» در لغت به معنای اثر و نشان گذاشتن در چیزی (دهخدا، ۱۳۵۹: ذیل واژه) همچنین نفوذ کردن است (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه). واژه «اجتماعی» به معنای منسوب به اجتماع، مدنی، همگانی، دسته‌جمعی، وابسته به جامعه، گروهی است (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه). مراد از «تأثیر اجتماعی» در اصطلاح تأثیر محیط اجتماعی بر فرد است. زمانی که عمل یا فعالیتی از یک فرد بروز کند، محیط به او واکنش می‌دهد به این معنی که به حرکت او یا انتقاد می‌کند یا آن را تصدیق می‌نماید. حتی خودداری جامعه از ابراز واکنش، نوعی واکنش است که بر او تأثیر خواهد گذاشت (حیدری‌نراقی، ۱۳۸۷: ۹۲). مراد از تأثیر اجتماعی در این پژوهش، تأثیری است که آیات الهی در حفظ شأن و مقام زن در اجتماع داشته است.

حمایت الهی: واژه «حمایت» در لغت به معنای پشتیبانی، جانبداری، حفاظت، دفاع، طرفداری، مدد، یاری و هواخواهی (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه) همچنین نگاهبانی، پناه، پستی، دستگیری و نگاهداری آمده است (دهخدا، ۱۳۵۹: ذیل واژه). حمایت در اصطلاح، رفتار و گفتاری است که از طریق آن به دیگران کمک می‌شود (خداپرستی، ۱۳۷۶: ذیل واژه). مراد از «حمایت الهی» در این پژوهش، اقداماتی است که خداوند متعال با نزول آیات وحی در دفاع از مقام و جایگاه زن در اجتماع عرب می‌فرماید.

۵. حمایت ویژه الهی از زن در نقش دختری

حمایت خداوند متعال از زن در نقش دختری گاهی در وجه ایجابی در خیر کثیر معرفی کردن او و گاه در وجه سلبی در مذمت زنده‌به‌گورکردن ایشان و دادخواهی در قیامت برای دختران مظلوم جلوه‌گر است.

الف) خیر کثیر معرفی کردن دختر

خداوند متعال به انحاء مختلف در جای‌جای مصحف شریف به خیر کثیر بودن دختر در دورانی که دختران زنده‌به‌گور شده و برای خانواده ننگ به شمار می‌آمدند، اشاره فرموده تا جایی که یک سوره را به آن اختصاص داده است. شاید بتوان گفت آیات سوره کوثر، شاخص‌ترین آیات در جایگاه زن به شمار می‌رود.

آیه اول این سوره می‌فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»؛ ما به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم. «کوثر» بر وزن «فوعِل» بر چیزی اطلاق می‌گردد که شأنش این است که کثیر باشد و کوثر به معنای خیر کثیر است (طبرسی ۱۳۷۷، ۴: ۵۴۸، طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۲۷۷).

در معنای کوثر اقوال مختلفی بالغ‌بر ۲۶ قول ذکر شده که از جمله آن‌ها می‌توان به نه‌ری در بهشت، حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت یا در محشر، اولاد رسول خدا (ص)، اصحاب و پیروان آن جناب تا روز قیامت، علمای امت او،

قرآن و فضائل بسیار آن، مقام نبوت، تیسیر قرآن و تخفیف شرایع و احکام، اسلام، توحید، علم و حکمت، فضائل رسول خدا (ص)، مقام محمود، نور قلب شریف رسول خدا (ص) اشاره کرد (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۳۰: ۲۴۴ و ۲۴۵). برخی از مفسران منظور آیه را بسیاری نسل و ذریه از اولاد حضرت فاطمه (علیها السلام) دانسته‌اند که شمار ایشان قابل شمارش نبوده و تا به انتهای روزگار ادامه می‌یابد. این گروه، این تفسیر را متناسب با شأن نزول آیه می‌دانند که عاص بن وائل سهمی، حضرت را در وفات فرزندش عبدالله ابتر نامید و نزول این سوره مرهمی بر جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود (طبرسی، ۱۳۷۷، ۴: ۵۴۸).

ذکر «أَعْطَيْنَاكَ» به صیغه متکلم مع‌الغیر نشان از عظمت عطیه الهی داشته و به‌منظور دل‌خوش کردن آن جناب است که باینکه پسران حضرت از دنیا رفته و تنها یک دختر از او باقی مانده، مقطوع‌النسل نبوده و ذریه پربرکتی به حضرت از جانب خداوند متعال عطا می‌شود که این خبر خود از اخبار غیبی محسوب می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۷، ۴: ۵۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۳۷۰).

در آیه بعد «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» خداوند متعال به شکرانه این اعطاء، امر به نماز و قربانی یا بلند کردن دستان در نماز از باب استکانت می‌فرماید که «فاء» در «فَصَلِّ» نشان از متفرع بودن این اوامر بر اعطای کوثر دارد (طبرسی، ۱۳۷۷، ۴: ۵۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۳۷۱).

با توجه به آیه «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» و در نظر گرفتن لفظ «ابتر؛ مقطوع‌النسل» و با در نظر گرفتن این که آیه مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می‌آید که مراد از «کوثر» خیر کثیر و کثرت ذریه است. چه این که کثرت ذریه از مصادیق خیر کثیر است. توجه به این نکته ضروری است اگر مراد از «کوثر» مسئله ذریه به استقلال یا به‌طور ضمنی نبود، وجود «إِنَّ» در «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» بی‌ثمر می‌شد؛ زیرا که «إِنَّ» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می‌رساند و بی‌معنا است که اعطای حوض به دلیل مقطوع‌النسل بودن بدگوی پیامبر (ص) باشد پس باید مراد از «کوثر» نسل کثیر باشد که در تقابل با نسل منقطع متناسب است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۳۷۱).

نکته قابل تأمل آن که اعطای این عطیه و اصولاً عطیه دانستن دختر و ادامه نسل به غیر تصور متعارف از زن در اجتماعی که دختر به قدری قابل اعتنا نبود که حتی حق حیات داشته باشد، فرهنگ سازی عظیمی است که خداوند متعال به منظور به رسمیت شناختن جنس زن نمود و بدین طریق بار دیگر چتر حمایتی خویش را بر بانوان گستراند.

شایان ذکر است گرچه این سوره، شأن نزول خاص دارد ولی با این مهم مغایرت ندارد که خداوند متعال با ادامه دادن نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) از یک زن، بیش از پیش مقام زن را در بین اعراب بالا برد و حفظ ارزش و جایگاه او را در بین افرادی که تا پیش از آن دختران را زنده به گور می کردند، تثبیت کرد. آیات دیگری که برای خیر بودن وجود دختر بدان استشهد می شود آیه ۲۳ تا ۲۵ سوره قصص است. آیه ۲۳ سوره قصص می فرماید: «وَلَمَّا وَزَعْنَا مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأُبْنَا شَيْخًا كَبِيرًا فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ و هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویش اند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهن سالی است. موسی برای آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم. ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد درحالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد. هنگامی که موسی نزد او آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: نترس، از قوم ظالم نجات یافتی. واژه «تذودان» تنبیه «تذود» و از ماده «ذود» به معنای حبس و منع است. آن دو دختر گوسفندان خود را از این که به سمت آب بروند یا با گوسفندان سایر افراد

مخلوط شوند، منع می کردند. این عمل که عادت ایشان بوده از پاسخی که به حضرت موسی (علیه السلام) می دهند که «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ»؛ گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند، مشخص می شود. عبارت «وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» اعتذاری است از حضور دو دختر در جمع مردان؛ چرا که مردی در خانواده برای این امر نداشتند که متحمل این امر گردد و ایشان برای این که محتاج و سربار دیگران نباشند، چاره ای نداشتند که خود به سقایت گوسفندان پردازند. حضرت موسی (علیه السلام) از گفتار دو دختر متوجه شد که علت کناره گیری آن ها تعفف و وقار ایشان است لذا گوسفندان ایشان را آب داد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۳۸۷؛ ابن عاشور، ۱۴۰۴، ق، ۲۰: ۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۶: ۲۵، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۵۶).

ضمیر در «احدیهما» که آیه ۲۵ بدان اشاره دارد به یکی از دو دختر برمی گردد که بر طریق حیا گام برمی داشت. مراد از راه رفتن بر طریق «استحیاء» این است که عفت و حیا از نحوه راه رفتن او هویدا بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۳۸۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ق، ۲۴: ۵۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۶: ۲۶). نکره آوردن «استحیاء» نشان از عظمت و وقار راه رفتن آن دختر دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۶: ۲۶).

خداوند متعال در این آیات خیر بودن دختر و این که می تواند همچون پسران کمک رسان خانواده باشند را بیان می فرماید و به این ترتیب یکی از دلایل رجحان پسران در جامعه آن روزگار را باطل کرده و نشان می دهد دختران از این جهت هم می توانند خیر باشند.

ب) مذمت زنده به گور کردن دختران

زنده به گور کردن دختران از جمله رفتارهای اجتماع جاهلی است که به انحای مختلفی چون دفن در حفره ای در خاک، پرتاب از کوه بلند، غرق کردن، ذبح کردن صورت می گرفته است. این عمل قساوت آلود، گاه به بهانه غیرت و حمیت و گاهی به بهانه ترس از فقر و تنگدستی رخ می داده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ق، ۲۰: ۲۲۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ۴: ۵۲۳). این فرهنگ غلط جاهلی به واقعه

جنگ بنی تمیم با کسرای ایران و به اسارت رفتن دختران و امتناع از بازگشت ایشان برمی گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۲: ۲۷۷). شاید بتوان مذمت زنده به گور کردن دختران را از جمله اولین حمایت‌های عاطفی خداوند متعال از بانوان به شمار آورد.

خداوند متعال در آیات ۵۸ تا ۶۰ سوره نحل: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيْمَسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ برای آن‌ها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است؛ درحالی که هرگاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد آیا او را با قبول تنگ نگهدارد یا در خاک پنهانش کند چه بد حکم می‌کنند برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند، صفات بد و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است» این فرهنگ غلط را محکوم می‌نماید.

«تبشیر» در اصل لغت مختص به خبری است که موجب سرور و خشنودی است که به دنبال خود تغییر در صورت و وجه دارد (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰: ۲۲۵) لذا تعبیر به «بُشِّرَ» در آیه نشان از این حقیقت دارد که ازدیاد فرزند به جهت انس، عزت، کمک کار بودن، خدمت‌رسانی، دستگیری به هنگام نیاز و غیره نعمت بر والدین است، درحالی که عرب جاهلی بشارت را مصیبت فرض کرده و به جای آن که از این بشارت چهره‌ای گلگون یابند، چهره‌ای سیاه پیدا می‌کردند که این حالت از تحریف حقایق نزد ایشان نشئت می‌گیرد (ابن عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۱۳: ۱۴۸).

عبارت «ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» اشاره به مطلب مذکور و نشان از فرهنگ عرب جاهلی در بشارت فرزند دختر دارد که به جای مسرت، آثار خشم و ناراضیتی در سیمای پدر هویدا و رنگ رخسار او از شدت اندوه به سیاهی می‌گرایید. عرب وقتی فردی با مکروهی مواجه می‌شود عبارت «اسود وجهه»

را به کار می‌برند چنان‌که از لوازم غم و حزن، گرفتگی روح و غبارآلود و سیاه شدن چهره است. احساس سرافکنندگی پدر به این حالت ختم نشده و دائم در این فکر فرومی‌رفت که آیا ذلت نگه‌داری فرزند دختر را به جان بخرد یا او را در خاک مدفون سازد «أَيْمَسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۵۶۶؛ طوسی، بی‌تا، ۶: ۳۹۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ق، ۲۰: ۲۲۵؛ مراغی، ۱۴۰۵، ق، ۱۴: ۹۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۲: ۲۷۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ۴: ۵۲۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۶۸).

خداوند متعال در حمایت از دختران ضمن بیان فرهنگ مذموم و عمل شنیع جاهلی، با صراحت در عبارت پایانی آیه مذکور، این طرز فکر و عمل را حکمی زشت و راهی ناصواب می‌خواند «أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ».

آیه بعدی، طغیانگران را دارای صفات سویی نظیر ظلم، فساد، کشتن اطفال کرده و خداوند متعال را متصف به صفات علیا و بالا نظیر وحدانیت، عدل، عظمت و جمیع صفات جلال و کمال می‌نماید (مراغی، ۱۴۰۵، ق، ۱۴: ۹۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ۴: ۵۲۴). آیه مذکور به منظور روشن شدن هر چه بیشتر قباحت عمل زنده‌به‌گور کردن دختران، ریشه این سوء عمل را عدم اعتقاد به آخرت معرفی کرده و صفات خدا را از صفات مذموم مذکور جدا می‌فرماید و به این ترتیب از این عمل براءت می‌جوید. به عبارت دیگر مثل و صفت کسانی که به خدا اعتقاد دارند حق و صدق و صفت افرادی که به خدا اعتقادی ندارند، باطل است. به هر نسبت انسان به صفات الهی نزدیک شود به همان نسبت از اعمال قبیح و عادات ناپسند فاصله می‌گیرد (طوسی، بی‌تا، ۶: ۳۹۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ق، ۲۰: ۲۲۶؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۶۸).

همان‌طور که ملاحظه شد خداوند متعال با قبیح و مردود شمردن فرهنگ جاهلی و براءت جستن از عمل شنیع زنده‌به‌گور کردن دختران، اولین گام در حمایت از بانوان که حفظ جان ایشان باشد را برداشته و به این ترتیب چتر حمایتی خویش را بر بانوان گسترانده و جامعه را به سمتی می‌برد که کم‌کم از این عمل ناپسند دست می‌کشند.

ج) دادخواهی از دختران مظلوم در قیامت

یکی از وجوه حمایتی خداوند متعال از بانوان، دادخواهی از خون دختران مظلومی است که در عصر جاهلی به ناحق ریخته شده است. خداوند متعال در آیات ۸ و ۹ سوره تکویر به این مسئله اشاره دارد. آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»؛ و در آن هنگام که از دختران زنده‌به‌گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند.

واژه «مَوْؤُدَةُ» از ماده «وَأَد» به معنای دختری است که زنده در خاک مدفون گشته است (طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۲۸۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۸: ۳۳۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۳۰: ۱۲۸؛ حسینی‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۴: ۶۹). برخی آن را به معنای سنگینی و ثقل گرفته‌اند؛ زیرا که او با خاک سنگین می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ۳۱: ۶۶). این تعبیر از آن جهت است که دختران را در گور دفن کرده و خاک بر آن‌ها می‌ریختند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶: ۱۷۶).

مفسران گفته‌اند در جاهلیت زمانی که وقت وضع حمل می‌رسید، پدر حفره‌ای در زمین حفر کرده و بالای آن می‌نشست اگر نوزاد دختر بود، او را میان آن پرت کرده خاک روی آن می‌ریخت و اگر پسر بود، او را نگه می‌داشت. علت این امر را ترس از تنگ و گرسنگی دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ۳۱: ۶۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۳۰: ۱۲۸؛ حسینی‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۴: ۶۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶: ۱۷۷).

نکته قابل تأمل در آیه «وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ» این است که از قاتلان سؤال نمی‌شود؛ بلکه از دخترانی که مورد ظلم واقع شده و بی‌هیچ گناهی زنده‌به‌گور شده‌اند، سؤال می‌شود. گویی قاتلان ارزش بازجویی هم ندارند و گواهی مقتولان کافی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶: ۱۷۹). فایده سؤال از «مؤوده» آن است که در پاسخ به بی‌گناهی خویش تصریح کنند و بدین ترتیب، رسوایی و توبیخ (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۶۷۴؛ طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۲۸۳؛ مراغی، ۱۴۰۵ ق، ۳۰: ۵۸)؛ و تهدید و ترس از عذاب فزونی یابد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۸: ۳۳۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۳۰: ۱۲۸؛ حسینی‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۴: ۶۹).

اسلام این سخت‌دلی و قساوت را به مهربانی و رحمت تبدیل کرد و این ننگ و پستی را از ایشان زدود (مراغی، ۱۴۰۵ ق، ۳۰: ۵۸). قابل توجه این که قرآن مجید به قدری این مسئله را زشت و منفور شمرده و با آن برخورد قاطع کرده است که حتی رسیدگی به این موضوع را مقدم بر مسئله نشر نامه‌های اعمال در قیامت و دادخواهی در مسائل دیگر در آیات بعدی این سوره می‌شمرد. این تقدم نشان‌دهنده نهایت اهتمام اسلام به خون انسان‌ها و مخصوصاً انسان‌های بی‌گناه، همچنین ارزش جنس زن است (ابن عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۳۰: ۱۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۴۵۲) که این امر تأثیر بسزایی در شأن اجتماعی زن داشت.

۶. حمایت ویژه الهی از زن در نقش همسری

یکی از الطاف الهی به بانوان از بعد عاطفی، اعطای نقش همسری بدان‌هاست. خداوند متعال در قرآن به زنی که در اجتماع با نگاه درجه دوم با او برخورد می‌شد، آرامش‌بخش بودن، ظرفیت تولید نسل و حفظ مرد از گناه را نسبت داد که همه موارد نامبرده نشان از نیاز مرد به زن و تثبیت ارزش زن در جامعه آن روزگار و به تبع در روزگاران بعدی است.

الف) آرامش‌بخش معرفی کردن زن

یکی از ویژگی‌هایی که وجود و حضور زن را در خانه و خانواده الزامی کرده و بر ضرورت آن می‌افزاید، آرامش‌بخشی اوست. مسئله خلقت زن از جنس خود مرد به بیانی که نشان از لطف و مرحمت خداوند دارد موجب روشن شدن قدر و ارزش اوست.

شاخص‌ترین آیه‌ای که بر این موضوع تصریح دارد، آیه ۲۱ سوره روم است که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میاتتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

خداوند متعال در این آیه ضمن اشاره به خلقت زن از شکل و جنس مرد (طبرسی، ۱۳۷۷، ۳: ۲۶۲؛ ابن عاشور، ۱۴۰۴، ق، ۲۱: ۳۳؛ مراغی، ۱۴۰۵، ق، ۲۱: ۳۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ۶: ۱۳۷؛ حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۰: ۲۸۳؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۸: ۱۹۲)، هدف و علت این خلقت و ازدواج را با عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» آرامش باطن و انس بیان می‌فرماید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۹۱).

اهل لغت ماده «سکن» را به معنای آرام گرفتن بعد از حرکت همچنین آرامش و انس گرفته‌اند چنانکه زوج نسبت به همسر خویش مایه آرامش و انس است (ابن عاشور، ۱۴۰۴، ق، ۲۱: ۳۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳: ۲۸۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ق، ۱۸: ۱۱۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۹۱). از ماده مذکور معنای استقرار و اطمینان و سکون عرفی نیز اصطیاد می‌گردد؛ چراکه اگر ماده «سکن» با حرف «إلی» تعدیه شود به معنای اطمینان و اتکا و استقرار است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۵: ۱۶۴). از دیگر حمایت‌های الهی از زن تبیین رحمت و مودت بین زوجین است که زن هم‌پایه مرد بلکه بیشتر در این مودت و رحمتی که موجب آرامش است، نقش دارد. عبارت «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» در آیه مذکور بر این معنا اشاره دارد. «رحمت» از ماده «رحم» به معنای نازک‌دلی و مهربانی و رقت قلب است و در وصف خداوند متعال به معنای مغفرت و انعام و احسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ۱۲: ۲۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۳۴۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳: ۷۰).

واژه «مودت» نیز به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر شود. در حقیقت رحمت و محبت، تأثیر قلبی است که از مشاهده محرومیت و سختی شخص نیازمند در قلب احساس می‌شود و مودت در عمل ظاهر می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷، ۸: ۱۹۱). همان‌طور که از سیاق برمی‌آید مراد از مودت و رحمت مذکور در آیه همان روابط عاطفی در خانواده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۴۷۰؛ ابن عاشور، ۱۴۰۴، ق، ۲۱: ۳۳). زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگر هستند. از شادی هم شاد و از ناراحتی و تألم یکدیگر، متألم می‌شوند. این مودت و رحمت هست که باعث می‌شود زن و شوهر نسبت به هم احساس مسئولیت کنند و اگر یکی از ایشان دچار ناتوانی شود، دیگری به رعایت احوال او قیام نماید

(فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۸: ۱۱۶) و این دو باهم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچک‌تر را رحم می‌کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۱۶۶).

غرض آن که خداوند متعال با بیان این آیه که حالت عاطفی و احساس نیازمندی زن و شوهر را مطرح می‌فرماید به نحوی عمیق نقش زن را یادآور می‌شود که از جنس خود مرد و مایه سکناي اوست پس باید جایگاه و حرمت او در جامعه حفظ شود. به این ترتیب قرآن کریم یکی دیگر از گام‌های مؤثر خود را در تثبیت مقام زن در جامعه برداشت.

ب) اشاره به تداوم نسل توسط زنان

یادآوری منوط بودن ادامه نسل به بانوان و به ودیعت گذاردن صفت خلق از سوی خدای متعال به زن در جامعه‌ای که زن را حتی لایق حیات نمی‌دانستند، چتر حمایتی دیگری از سوی قادر متعال بر بانوان است که در آیات متعددی نظیر آیه ۱ سوره نساء، آیه ۱۱ سوره شوری و آیه ۷۲ سوره نحل بر آن تصریح دارد که به دلیل تشابه مضمون آیات از باب نمونه به آیه اخیر اشاره می‌شود. خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَا فَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند، یکی از الطاف خود را به مرد قرار دادن زنی از جنس خود او معرفی می‌کند که اگر از نوع دیگری بود، ائتلاف و مودت و رحمت صورت نمی‌گرفت ولی از رحمت اوست که آدم را در دو جنس مذکر و مؤنث آفریده و مؤنث را زوج برای مذکر قرار داده تا موجب ادامه یافتن نسل او در زمین شود. زنی که در انس گرفتن و رفع شهوت و نسل جفت مرد است (طوسی، بی‌تا، ۶: ۴۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۵۰۳؛ ابن عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۱۳: ۱۷۵؛ مراغی، ۱۴۰۵ ق، ۱۴:

۱۱۱؛ حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۷: ۲۴۲) و این از نعمت‌های الهی است که روزی ایشان را در مباح و پاکی قرار داده است (طوسی، بی‌تا، ۶: ۴۰۷).
 واژه «حفده» از ریشه «حفد» به معنای سرعت در عمل و خدمت است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ق، ۳: ۱۵۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳: ۱۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۲۴۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۵۴). برخی از اهل لغت مراد از «حفده» را که در آیه مذکور در کنار «بنین» قرار گرفته «...بَنَيْنَ وَحَفَدَهُ...» دختران می‌دانند که در خانه به والدین خویش خدمت می‌رسانند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ق، ۳: ۱۵۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳: ۱۵۳). برخی دیگر نیز مراد از «حفده» را از این جهت که در یاری انسان می‌کوشند، اعوان و یاران دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳: ۱۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۲۴۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۵۴). برخی نیز مراد از «حفده» را اولاد اولاد یعنی نوه دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳: ۱۵۳)، برخی نیز مراد از «حفده» را دامادها یا پسران زن از همسر دیگر دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳: ۱۵۳).

برخی از مفسران بر این باورند که تمامی معانی مذکور داخل واژه «حفده» جمع هستند؛ چرا که اولاد و نوه‌های انسان بهترین یاران و سریع‌ترین خدمتگزاران او محسوب می‌شوند. حتی اگر مراد دامادها یا پسران زن نیز باشند تحت کنف مرد بوده و در منزل او و در خدمت او هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۵۷۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ق، ۴: ۵۰۳ و ۵۰۴). برخی دیگر با توجه به معنای آیه و این که «حفده» را مقید به متولد از همسران نموده، معنای «حفده» را به نوه‌ها دانسته‌اند؛ زیرا که خدمت ایشان صادقانه‌تر است (مراغی، ۱۴۰۵، ق، ۱۴: ۱۱۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۰۴، ق، ۱۳: ۱۷۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۲: ۲۹۷). برخی نیز بنا بر روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) که در آن خود را «حفده» رسول خدا خوانده‌اند، مراد از «حفده» را پسران از دختر دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶، ق، ۳: ۴۳۸).

به این ترتیب خداوند متعال در آیه مذکور چنین می‌فرماید که من آن کسی هستم که برای شما همسرانی از جنس خودتان یعنی بشر قرار داد؛ همسرانی که برای شما فرزندانی آورند که با ایشان انس بگیرید و دل‌بسته شوید و من

آن کسی هستم که برای شما از این همسران، فرزندانی خلق کردم که باوجود آنان شاد شوید و زینت یابید (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۵۷۶؛ طوسی، بی تا، ۶: ۴۰۶) و همه موارد نامبرده از نعم و برکاتی است که خداوند در نهاد زن قرار داده است. در حقیقت خداوند متعال با بیان این آیات یادآور شده نسلی که مردان به آن می‌نازند و تداوم آن را تمنا دارند، مدیون و وابسته به زنی است که برای او جایگاهی در اجتماع حتی به قدر حق حیات قائل نیستند. به این ترتیب خداوند متعال در آیات متعدد به صورت مکرر از زنان حمایت عاطفی نموده که این امر موجب تثبیت قدر و منزلت ایشان در اجتماع می‌شود.

ج) اشاره به نقش زن در حفظ مرد از گناه

یکی دیگر از مزیت‌های وجود بانوان، اطفاء غریزه از راه صحیح آن است که قرآن کریم در آیاتی نظیر آیه ۲۲۳ سوره بقره؛ آیه ۱۶۶ سوره شعراء، آیه ۷۸ سوره هود، آیه ۷۱ سوره حجر، آیه ۳۰ سوره معارج به این مطلب اشاره دارد. خداوند متعال در آیات نامبرده به خصوص در رابطه با عمل قوم لوط، راه صحیح اطفاء غریزه جنسی و تولید نسل را بهره‌مندی از بانوان ذکر می‌کند که به عنوان نمونه آیه ۱۶۶ سوره شعراء از نظر می‌گذرد.

خداوند متعال در آیه ۱۶۶ سوره شعراء: «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»؛ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید، شما قوم تجاوزگری هستید، متذکر می‌شود که دست برداشتن از همسر شرعی که خداوند برای استمتاع فرد آفریده و روی آوردن به راهی ناصواب نه از روی نیاز بلکه از روی تجاوزگری است؛ چراکه این افراد باوجود امکان ازدواج به افراط در شهوت از راه ناصحیح آن و مباشرت با مردان میل کرده بودند و هرگز نیاز طبیعی ایشان را به این عمل شنیع که سایر افراد حتی حیوانات بدان میل نکنند، نکشاند. بود بلکه تجاوز و طغیان دامن ایشان را به چنین نتگی آلوده ساخته بود (طوسی، بی تا، ۸: ۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۴: ۵۲۷؛ ابن عاشور، ۱۴۰۴ ق، ۸: ۱۸۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ۵: ۲۶۱۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق،

۵: ۵۱۳؛ حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۹: ۴۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۳۱۸؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۷: ۳۹۶).

خداوند متعال در آیات دیگری نظیر آیه ۸۱ سوره اعراف، آیه ۷۴ سوره انبیاء، آیه ۵۵ سوره نمل، آیه ۲۹ سوره عنکبوت، عمل قبیح قوم لوط را تحت عناوین «فسق»، «تجاوز»، «اسراف»، «جهل»، «خبث» و «قطع سبیل» معرفی می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۳۱۸). با تعبیر به کاررفته، قباحه اطفاء غریزه جنسی به غیراز راهی که خداوند متعال برای آدمی نهاده و منکر بودن ترک آنچه خدا برای ایشان از همسران خلق کرده و تجاوز از فطرت و حکمت مکنون در آن مشخص می شود (سیدقطب، ۱۴۱۲ ق، ۵: ۲۶۱۳). بنا بر آنچه از نظر گذشت تأثیر اجتماعی آیاتی که به بیان جایگاه زن و شایستگی او در همبستری مرد و حفظ او از گناه دارد، غیرقابل انکار است؛ آیات مذکور ضرورت وجود ارزشمند زن را بیش از پیش برای عرب جاهلی مشخص ساخت.

۷. حمایت ویژه از زن در نقش مادری

یکی از الطاف ویژه الهی به بانوان، اعطای مقام مادری به ایشان است. خداوند متعال از طرق مختلف؛ گاهی با اختصاص حمل و شیردهی به بانوان، گاهی با بیان رفعت درجه مادر تا حد دریافت الهام، گاهی با بیان تأثیر دعا و خدمت به مادر، جایگاه مادر را در اجتماع تثبیت می نماید.

الف) اختصاص حمل و شیردهی به بانوان

خداوند متعال در آیاتی نظیر آیه ۶ سوره زمر؛ آیه ۱۴ سوره لقمان؛ آیه ۱۵ سوره احقاف و آیه ۷۸ سوره نحل به تفصیل به امتیازات مختص مادران یعنی بارداری و به تبع آن وضع حمل و شیردهی اشاره می فرماید که به جهت اختصار به یک مورد پرداخته می شود.

خداوند در آیه ۱۵ سوره احقاف نیز به روشنی ویژگی حمل و شیردهی زنان را بیان کرده است. آنجا که می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ

أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به‌سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم و من از مسلمانانم. در این آیه با ذکر اینکه حمل و از شیر بازگرفتن فرزند سی ماه است «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» اوج نیاز فرزند به مادر و ضرورت وجود یک زن در مقام مادری را نشان می‌دهد لذا پس از سفارش احسان به والدین، به‌زحمت مادر در بارداری و وضع حمل و شیردهی اشاره می‌کند گویا خداوند متعال اراده نموده جانب مادر را غلبه داده و او را شایسته احترام بیشتری بداند (سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ۶: ۳۲۶۲، طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۸: ۲۰۱). شاید به دلیل نزدیکی بیشتر مادر به فرزند و تحمل مشقت در حمل و وضع و پرورش فرزند است که سهم ارث مادر مساوی و در برخی موارد بیش از پدر است باوجوداینکه در بیشتر مواقع وضع برعکس است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۸: ۲۰۱).

با ذکر نیاز فرزند به مادر، خداوند متعال بار دیگر و به نحو دیگر جایگاه مادری و نیاز فرزند را به او یادآور می‌شود و این که لازم است حتی بیش از پدر احترام او حفظ شود. واضح است نمی‌توان به زنی که شایسته این چنین احترامی است، نگاه طفیلی و درجه دومی داشت؛ چراکه بیشتر زنان، مادر و همگی مردان روزی کودکان نیازمند به مادر بوده‌اند. این یادآوری و امثال آن تأثیر شگرف و غیرقابل انکاری نه‌تنها در جامعه عصر نزول بلکه در تمامی دوران و جوامع دارد.

ب) قابلیت دریافت الهام توسط مادر

یکی از مسائلی که زن را شایسته احترام می‌کند، رفعت جایگاه او تا درجه‌ای

است که به دریافت الهام نائل می‌شود. خداوند متعال در آیات ۳۸ سوره طه، ۷ و ۱۰ سوره قصص به دریافت الهام توسط مادر حضرت موسی (علیه‌السلام) اشاره می‌فرماید و به این ترتیب بر قابلیت زن در دریافت الهام تصریح می‌کند. واضح است چنین موجودی را نمی‌توان با نگاه حقارت نگرست.

چنانچه در آیه ۷ سوره قصص تصریح دارد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ قَالَقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا بیفکن و ترس و غمگین مباش که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم و در آیه ۱۰ همین سوره به این ارتباط اشاره می‌فرماید: «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ قلب مادر موسی از همه چیز تهی گشت و اگر دل او را محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند.

واژه «أوحینا» از ماده «ایحاء» به معنای گفتگوی پنهانی است و در مصحف شریف در رابطه با سخن خدا با برخی از مخلوقاتش یا الهام یا القای مطلبی بر قلب شخصی به کار می‌رود. خداوند با نوعی الهام به مادر موسی (علیه‌السلام) فرمود او را تا زمانی که از سوی فرعون احتمال خطری نمی‌دهد، شیر داده و هنگامی که احساس خطر کرد او را به دریا افکند. خداوند متعال به این مقدار کفایت نکرده و خوف و حزن مادر موسی (علیه‌السلام) را با وعده برگرداندن آن حضرت و پیامبری او تسکین می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۳۷۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۶: ۲۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۱۰؛ حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۰: ۱۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۲۳).

خداوند متعال این ارتباط با قلب مادر حضرت موسی (علیه‌السلام) را در آیه ۱۰ نیز با واژه «ربطنا» به صورت متکلم و در معنای ارتباط بیان می‌کند که به دلیل این ارتباط مادر حضرت موسی (ع) آسوده‌خاطر شده بود (طوسی، بی‌تا، ۸: ۱۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۱۲؛ حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۰: ۱۰۶؛ قرشی، ۸، ۱۳۷۷: ۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۲۶). خداوند متعال با ذکر آیاتی نظیر

آیات فوق، جایگاه زن را بیش از پیش بین اعراب جاهلی بالا برده و با فرهنگ ایشان در رابطه با زن به مقابله برخاسته است.

ج) تبیین تأثیر دعای مادر

در قرآن کریم مواردی از تأثیر دعای مادر در حق فرزند و استجابات آن توسط پروردگار آمده است از آن جمله می توان به آیات ۳۵، ۳۶ و ۳۷ سوره آل عمران اشاره کرد.

خداوند متعال در آیات ۳۵ تا ۳۷ سوره آل عمران می فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ إِلَّا نَجْسٌ وَإِنِّي اسْمِيهَا مَرْيَمُ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ هنگامی که همسر عمران گفت: خداوندا آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم که محرّر (آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی؛ ولی هنگامی که او را به دنیا آورد گفت: پروردگارا فرزندم دختر است ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه تر بود و پسر، همانند دختر نیست. من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندان او را از شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم (۳۶) خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته ای، او را رویانید و کفالت او را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آنجا می دید. از او پرسید: ای مریم این را از کجا آورده ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

از حکایت خداوند متعال از همسر عمران برمی آید که او فرزندش را از قید ولایت و خدمت به خود خارج و به خدمت خدا درآورد و از خدا خواست این نذر را از او قبول کند، همچنین از خدا خواست او و ذریه او را از مکر شیطان در

پناه خود محفوظ دارد. خداوند نیز دعای او را پذیرفت و از «تَقَبَّلَ» استفاده کرد که حسن قبول را برساند که این تصریح، اظهار حرمت و شرافتی برای مادر مریم است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۷۴۰ - ۷۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۳۵۹ - ۳۵۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷۵: ۳ - ۱۷۰).

از مطالب بیان شده تأثیر نیت و دعای خالصانه مادر در کسب فیوضات الهی فرزند و عاقبت به خیری او و نسل او مشخص می گردد که این مهم نشان از ارزشی است که زن در جایگاه مادری دارد. جایگاهی که همه مردان حتی آنانی که جنس زن را جنس حقیر می دانند بدان محتاج هستند. خداوند متعال با اشاره به این حقایق بار دیگر از بانوان حمایت کرده و جایگاه و قابلیت ایشان را خاطر نشان می سازد.

د) توصیه خدمت به مادر

خداوند در برخی از آیات قرآن، خدمت به مادر را توصیه فرموده و بدین طریق مردان عصر جاهلی را که تا قبل از اسلام، زن را لایق زنده ماندن هم نمی دانستند، متذکر جایگاه زن ساخت. آیاتی نظیر آیه ۳۲ سوره مریم و آیه ۱۴ سوره لقمان به این مطلب اشاره دارد. به دلیل اشاره به آیه ۱۴ سوره لقمان در بخش های پیشین، به نکاتی در رابطه با آیه ۳۲ سوره مریم بسنده می شود.

آیه ۳۲ سوره مریم: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»؛ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبار و شقی قرار نداده است. خداوند متعال بلافاصله بعد از اینکه در آیه قبل که از زبان حضرت عیسی (علیه السلام) بیان شده «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؛ و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است. آن جناب را توصیه به نماز و زکات می فرماید در این آیه، نیکی به مادر را توصیه می فرماید. اگر بیان شود که ذکر مادر به تنهایی در اینجا به این دلیل است که حضرت، پدر نداشته اند، باز از جایگاه مادری نمی کاهد؛ زیرا اگر زن از جایگاه انسانی برخوردار نبود چنان که عرب جاهلی این گونه با او

برخورد می کردند، ذکر نیکی به مادر در اینجا معنا پیدا نمی کرد. عبارت «وَبِرًّا بِوَالِدَتِي» به معنای نیکی به مادر و فرمانبرداری از او تا حدی است که رضایت کامل وی حاصل شود (طوسی، بی تا، ۷: ۱۲۵). علت این اوامر که برپایی نماز و ایتای زکات و نیکی به مادر باشد، آن است که لطف خدا شامل حال حضرت شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۷۹۳). چنان که امام صادق (علیه السلام) با استناد به آیه شریفه، عاق را جبار شقی دانسته است (حسینی عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۸: ۱۷۶). امام صادق (علیه السلام) در این رابطه گفتن اُف را کمترین ناسپاسی همچین نگاه خیره و تند را از عقوب دانسته است (کلینی، ۱۳۴۸: باب العقوب). پروردگار با توصیه به برگزیدگان از بندگان خود در خدمت کردن به مادر به نحوی دیگر جایگاه زن را در اجتماع تثبیت می نماید.

۸. نتیجه

پژوهش حاضر ضمن تأیید دستاوردهای سایر پژوهش های مرتبط در منزلت و رفعت مقام زن، آیاتی از قرآن کریم که در آن ها خداوند متعال به ضرورت و نقش غیرقابل انکار بانوان در زندگی اشاره دارد را با بهره گیری از تفاسیر فریقین تبیین نموده و به این ترتیب تأثیر اجتماعی این آیات را در دوران نزول و جوامع پس از آن یادآور می شود.

در میان فرهنگ جاهلی که دختران را مایه شرم می دانستند و ایشان را زنده به گور می کردند، پیامبری ظهور کرد که دین او آخرین دین و کتاب او آخرین کتاب آسمانی و جاودانه بود. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به مقوله بانوان پرداخته و در ضمن بیان جایگاه و شأن والای انسانی زنان به بعد عاطفی و احساسی زن توجه ویژه داشته است. در این کتاب آسمانی خداوند متعال در نقش های متعدد دختری، همسری و مادری از زنان حمایت کرده و به این ترتیب در اجتماع تأثیر گذاشته و مقام و منزلت زن را بالا برده است.

از الطاف ویژه الهی به بانوان در نقش دختری می توان به آیاتی اشاره کرد که خداوند متعال در آن آیات، دختر را خیر کثیر معرفی کرده و زنده به گور کردن

ایشان را مذمت و دادخواهی در روز قیامت برای دختران مظلوم را به خود نسبت می‌دهد.

خداوند متعال در آیاتی دیگر به اهمیت وجود زن در نقش همسری اشاره می‌کند و آرامش مردان و حفظ ایشان از پلیدی و تولید نسلی که مایه مباهات ایشان است را در حیطه قابلیت منحصر به فرد زن معرفی می‌کند. خداوند متعال به این میزان اکتفا نکرده و یادآور می‌شود که بانوان در نقش مادری نیز دارای جایگاه و حقوق ویژه‌ای هستند و در این راستا به دوران حمل و شیردهی مادر، قابلیت الهام به مادر، همچنین به تأثیر دعای مادر و خدمت به مادر اشاره می‌فرماید. چنانچه گذشت، خداوند منان در کتاب آسمانی خویش در مورد شأن واقعی بانوان سخن به میان آورده و او را موجودی ارزشمند و قابل احترام دانسته و به این ترتیب منزلت آنان را به رسمیت شناخته و از ایشان حمایت کرده است. پرواضح است تأثیری که این رویکرد قرآن در اجتماع دارد، شناسایی منزلت زن و تثبیت جایگاه او نه تنها در عصر جاهلی بلکه در تمامی دوران از جمله عصر حاضر است؛ چراکه افکار و خلق و خوی جاهلی در هر عصری به نحوی از انحاء بروز و ظهور دارد و تمسک به مصحف شریف، این معجزه جاودان می‌تواند راهگشا و روشنگر باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیه
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد. (۱۴۰۴ ق). *التحریر و التنویر*. تونس: الدار التونسیه للنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- افشار، لیلا؛ رستمی، زهره. (۱۳۹۰). «ویژگی های زن شایسته از دیدگاه قرآن کریم». *فصلنامه مطالعات قرآنی*. دوره ۲، شماره ۵، پیاپی ۵، صص ۹-۲۲.
- امینی پور، عبدالله. (۱۳۹۷). *نواندیشی دینی در مسائل زنان*. تهران: انتشارات توانمندان.
- بانکی پور فرد، امیرحسین. (۱۳۹۳). *جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدید*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- بارانی، محمدجواد؛ سوسرایی، رضا؛ توسلی، عرفان؛ علمدارمقدم، سیدحسن. (۱۴۰۱). «جایگاه زن در اسلام». *هفتمین همایش بین المللی مدیریت*. تهران: روائشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- براتی، شهناز. (۱۳۹۱). *مطالعه جامعه شناسختی جایگاه زن در اسلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز. دانشکده علوم اجتماعی.
- جواد آملی. عبدالله. (۱۳۸۶). *زن در آئینه جمال و جلال الهی*. قم: نشر اسراء.
- حسینی، حمیده. (۱۳۸۸). *جایگاه معنوی و حقوقی زن در اسلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات.
- حسینی عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. تهران: انتشارات میقات.
- حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۷). *وسواس: شناخت و راه های درمان*. تهران: چاپخانه اعتماد.
- خداپرستی، فرج الله. (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد*. شیراز: دانشنامه فارسی.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن*. چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۹). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *العین*. قم: مؤسسه دارالهجره.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی. (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). *جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی التفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
عروجی، نفیسه. (۱۴۰۲). *گونه شناسی و تحلیل آیات حمایتی از بانوان در قرآن کریم*. استاد راهنما: نسیم تیموری، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: مجتمع علوم اسلامی کوثر. مرکز مدیریت. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۸). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مراغی، احمد بن مصطفی. (۱۴۰۵ ق). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مکون، ثریا؛ صانع پور، مریم. (۱۳۷۴). *بررسی تاریخی منزلت زن*. چاپ پنجم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. چاپ سوم. تهران: زرین.
مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). *الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نورالدین فضل الله، مریم. (۱۴۰۵). *المراه فی ظل الاسلام*. چاپ چهارم. بیروت: دارالزهراء.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

REFERENCES

- *The Holy Qur'an, translated by Naser Makarem Shirazi.
- Afshar, Leila; Rostami, Zohra. (1390). "Characteristics of a virtuous woman from the perspective of the Holy Qur'an". Quarterly Journal of Qur'anic Studies. Vol. 2, No. 5, ISSN 5, pp. 9-22.
- Al-Bahrani, Seyyed Hashim. (1416 AH). Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Be'sat Foundation.
- Al-Fakhr Al-Radi, Muhammad bin Omar. (1420 AH). Mafatih al-Ghayb. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409 AH). Al-Ain. Qom: Dar al-Hijrah Institute.
- Al-Kulayni, Mohammad ibn Yaqub. (1348). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Maraghi, Ahmad ibn Mustafa. (1405 AH). Tafsir al-Maraghi. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Alousi, Mahmoud ibn Abdullah. (1415 AH), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim wa al-Saba' al-Mathani. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah
- Al-Raghib Al-Isfahani, Hossein bin Muhammad. (1412 AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. Beirut: Dar al-Ilm.
- Al-Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1372). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Al-Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1377). Jawami' al-Jami'. Tehran: Tehran University Press and Qom Seminary Administration.
- Al-Tusi, Muhammad ibn Hassan. (n.d.). Al-Tab'yan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ihya'a al-Turath al-Arabi.
- Al-Zamakhshari, Mahmoud. (1407 AH). Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Aminipour, Abdullah. (1397). Religious Innovation in Women's Issues. Tehran: Tavanmandan Publications.
- Arouji, Nafisa. (1402). Typology and Analysis of Verses Supporting Women in the Holy Qur'an. Supervisor: Nasim Teymouri, Master's thesis, Tehran: Kovsar Islamic Sciences Complex. Management Center.
- Bankipourfard, Amirhossein. (1393). The Position and Issues of Women in Islamic Culture and Modernity. Tehran: Enghelab Islamic Publications.
- Barani, Mohammad Javad; Sosraei, Reza; Tavassoli, Erfan; Alamdar-moghaddam, Seyyed Hasan. (1401). "The Position of Women in Islam". The 7th International Conference on Management. Tehran: Psychology and Humanities with a Sustainable Development Approach.
- Barati, Shahnaz. (1391). A Sociological Study of the Position of Women in Islam. Master's Thesis, Shiraz University, Faculty of Social Sciences.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1359). Dehkhoda Dictionary. Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute
- Durant, Will. (1370). History of Civilization. Third Edition, Tehran: Islamic Publications.
- Fadlallah, Seyyed Muhammad Hussein. (1419 AH). Min Wahy al-Qur'an. Beirut: Dar al-Malak for Printing and Publishing.
- Heydari-Naraqi, Ali-Mohammad. (1386). Obsession: Recognition and Ways of Treatment. Tehran: Etemad Publishing House.
- Hosseini Abdol-Azimi, Hossein bin Ahmad. (1363). Tafsir Ithna-Ashari. Tehran: Miqat

Publications.

- Hosseini, Hamideh. (1388). The Spiritual and Legal Position of Women in Islam. Master's Thesis, Al-Mustafa International University, Faculty of Theology.
- Ibn Ashur, Muhammad al-Tahir ibn Muhammad. (1404 AH). Al-Tahrir wa al-Tanvir. Tunisia: Dar al-Tunusiyah Publishing House.
- Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail ibn Amr. (1419 AH). Tafsir al-Qur'an al-Azim. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Sadir.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1386). Woman in the Mirror of Divine Beauty and Glory. Qom: Israa Publications.
- Khoda-Parasti, Farajullah. (1376). Comprehensive Dictionary of Synonyms and Antonyms. Shiraz: Encyclopedia of Persian.
- Makarem Shirazi, Naser et al. (1374). Tafsir Nomooneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Moin, Mohammad (1386). Farhang Moin. Third Edition. Tehran: Zarrin.
- Mokavven, Sorayya; Sanepour, Maryam. (1374). Historical Survey of the Status of Women. Fifth Edition. Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Mostafavi, Hasan. (1360). Al-Tahqiq fi Kalimat Al-Qur'an Al-Karim. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Mughniyeh, Mohammad Jawad. (1424 AH). Al-Kashif. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Nouruddin Fadlallah, Maryam. (1405). Al-Mar'ah fi dhill al-Islam. Fourth edition. Beirut: Dar al-Zahra.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1371 AH). Qamus al-Qur'an. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (1377). Ahsan al-Hadith. Tehran: Be'sat Foundation.
- Seyyed Qutb, Ibrahim Hussein Al-Shazli. (1412 AH). Fi Zilal al-Qur'an. Beirut: Dar al-Shorouq.
- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association.

| Extended Abstract |

The Social Impact of Divine Support for Women in the Emotional Aspect from the Perspective of the Holy Qur'an

Nasim Teymouri

Research Objective

Studying history and investigating human societies from the beginning until today shows that the status and dignity of women have not been properly known, and that the status of woman in any role, including her role as mother, wife and daughter, does not commensurate her human status, and in some periods of history the women have been treated as second-class citizens in society. It seems that in our time, the status of women has not received the importance it deserves among the different classes of society, including women themselves, for several reasons such as: media advertisements, lack of awareness among people, women's lack of awareness of their rights, self-deprecation, instrumental abuses, and the like, which has led to women being exposed to many problems in various social fields. Sometimes this negative view is attributed to Islam and religion. Therefore, it seems necessary to state the verses in which God Almighty provided emotional support to women and thus their influence on society.

Research Method

The method of this research is descriptive analytical, and data collection depends on library sources.

Research Findings

The findings of the study indicate that the special divine support for women in the role of girlhood is manifested in a positive form in calling girls "Khayr Kathir" (great blessing) and in a negative form in condemning their burial alive and seeking justice on the Judgment Day for oppressed girls. In the verses under study, the role of women of wifehood includes providing comfort to their husbands, their capacity to produce offspring, and protecting men from sin. As motherhood, the verses refer to the exclusiveness of pregnancy and breastfeeding for women, the ability of mothers to receive inspiration, explaining the effect of mothers' prayers, and the value of respecting mothers. As a result, the Holy Quran not only does not have a second-class view of women, but also considers them to be like men in creation and the existential system, and has recognized the value and necessity of women in various roles and aspects of social life.

Final Conclusion

While confirming the achievements of other related researches on the status and elevation of women, the present study explains verses of the Holy Qur'an in which God

Almighty refers to the necessity and undeniable role of women in life by using the interpretations of both Sunni and Shiite scholars, and thus reminds us of the social impact of these verses during the time of revelation and the societies after it. Amidst the ignorant culture that considered girls a source of shame and buried them alive, a prophet emerged whose religion was the last religion and whose book was the last and eternal heavenly book. God Almighty has addressed women in numerous verses of the Holy Quran, and while expressing the high human status and dignity of women, He has paid special attention to the emotional and sentimental aspect of women. In this heavenly book, God Almighty has supported women in their various roles as daughters, wives, and mothers, and in this way has influenced society and raised the status and dignity of women. Among the special blessings of God upon the women in the role of girls, we can mention verses in which God Almighty introduces girls as a great blessing, condemns their burial alive, and attributes to Himself the right to seek justice for oppressed girls on the Judgment Day.

In other verses, God Almighty highlights the importance of women in their role as wives, and introduces them as source of peace to men, their protection from impurity, and the production of offspring that are their pride as unique capabilities of women. God Almighty does not stop there and reminds us that women also have a special status and rights in their role as mothers, and in this regard, He refers to the period of pregnancy and breastfeeding, their ability to receive inspiration, and the effect of the mother's prayer and the value of being in service of the mothers. As mentioned, God Almighty has spoken in His heavenly book about the true dignity of women and considered them to be valuable and respectable beings, and thus has recognized their status and supported them.

It is clear that the impact that this approach of the Quran has on society is to reinforce the status of women and establish their position not only in the pre-Islamic era but in all eras, including the present era; because the thoughts and attitudes of ignorance manifest themselves in some way in every era, and clinging to the Holy Qur'an, this eternal miracle, can be a guide for all humanity.

KEYWORDS: Women, Emotional Aspect, Social Impact, Support, Holy Qur'an.